

۱۵۹۲۷۰۴
۹۷۰۲۲۹

حقوق دعاوی

ع

بایسته های حقوق داورى تطبیقى

دکتر عبدالله خدا بخشى

عضویت علمی دانشگاه فردوسی مشهد



خدابخشی شلمزاری، عبدالله، ۱۳۵۶.
ایران، قوانین و احکام.
حقوق دعاوی، بایسته‌های حقوق دلاوری تطبیقی (جلد ششم) / عبدالله خدابخشی.
تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۷.
۴۴۸ ص.

ISBN 978-964-325-475-9

ISBN 978-964-325-442-1

سرشناسه،
عنوان قراردادی،
عنوان و نام پدیدآور،
مشخصات نشر،
مشخصات ظاهری،
شابک،
شابک (دوره)،
وضعیت فهرست‌نویسی،
موضوع،
موضوع،
موضوع،
موضوع،
موضوع،
موضوع،
موضوع،
شناسه افزوده،
رده‌بندی کنگره،
رده‌بندی دیویی،
شماره کتابشناسی ملی.

فیبا
ادله اثبات دعوی (فقه)
(law Evidence, Demonstrative Islamic)
ادله اثبات دعوی -- ایران
Evidence, Demonstrative -- Iran
وکالت -- ایران
Mandate (Contract) -- Iran
وکالت (فقه)
law Mandate (Contract) Islamic
شرکت سهامی انتشار
۱۳۹۰ ح ۴/خ / KMH1780
۳۴۷/۵۵۰۶۱
۴۳۶۰۲۴۹

حقوق دعاوی (جلد ششم)

بایسته‌های حقوق دلاوری، تبیینی

تألیف: دکتر عبدالله خداخشی

ناشر: شرکت سهامی انتشار

چاپ اول: ۱۳۹۷

چاپخانه حیدری: ۱۱۰۰ نسخه

۵۵۰۰۰ تومان



دفتر مرکزی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، نرسیده به میدان بهارستان، جنب خیابان ملت، شماره ۹۲

کدپستی: ۱۱۳۳۹۶۵۱۱۸ تلفن: ۳۳۹۰۴۵۹۲ دورنگار: ۳۳۹۷۸۸۶۸

تلگرام: @entesharco

WWW.ENTESHARCO.COM Email: info@entesharco.com

فروشگاه شماره ۱: تهران خیابان جمهوری اسلامی، نبش خیابان ملت، شماره ۹۲، تلفن: ۳۳۱۱۴۰۴۴

فروشگاه شماره ۲: تهران، میدان انقلاب، بازارچه کتاب، تلفن: ۶۶۴۱۳۶۸۴ دورنگار: ۶۶۹۶۷۱۰۴

فهرست مطالب

مقدمه	۹
۱- داوری شناسی	۱۵
۱-۱- تعریف داوری	۱۵
۱-۲- جایگاه رضایت طرفین در داوری	۱۷
۲- قائم مقامی در داوری- انتقال شرط داوری	۲۷
۱-۲- حقوق تطبیقی	۲۷
۲-۲- قائم مقامی در حقوق ایران	۳۷
۳-۲- رضایت طرفین و انتخاب داور(ان)	۳۷
۴-۲- وضعیت شخص ثالث در فرآیند داوری	۴۱
۳- داوری پذیری	۴۹
۱-۳- مفهوم داوری پذیری	۴۹
۲-۳- قانون حاکم بر داوری پذیری	۵۲
۳-۳- معیار کلی داوری پذیری	۵۹
۴-۳- معیارهای فرعی داوری پذیری	۶۲
۵-۳- بررسی داوری پذیری در برخی مسائل	۶۷
۶-۳- داوری پذیری در حقوق ایران	۸۹
۴- ماهیت داوری	۱۰۵

- ۵- هدف داوری- اختیار داور در تطبیق مصوبات با قانون ۱۱۱
- ۶- استقلال شرط داوری در برخی مصادیق مورد اختلاف ۱۱۵
- ۱-۶- اقاله قرارداد ۱۱۶
- ۲-۶- دستور تخلیه فوری و اجرت‌المثل دوران بعد از اجاره ۱۱۷
- ۳-۶- انقضای قرارداد اجاره در قراردادهای مشمول قانون ۱۳۵۶ ۱۱۸
- ۷- ویژگی بین‌المللی داوری ۱۲۱
- ۱-۷- عدت یا دوگانگی قواعد داوری داخلی و بین‌المللی ۱۲۱
- ۷- معیار تمایز داوری داخلی و بین‌المللی ۱۲۷
- ۸- آثار قرارداد داوری ۱۳۳
- ۱-۸- اثر اصلی ۱۳۳
- ۲-۸- زوال داوری ۱۳۴
- ۹- تمایز داوری با کارشناسی و برخی شروط مشابه ۱۴۳
- ۱-۹- تمایز داوری و کارشناسی ۱۴۵
- ۲-۹- تمایز داوری با شروط مشابه ۱۶۲
- ۱۰- جایگاه غرر در موافقت‌نامه داوری (رویه قضایی، سابق ایران و حقوق تطبیقی) ۱۷۹
- ۱-۱۰- مفهوم و جایگاه غرر در داوری ۱۸۱
- ۲-۱۰- حالت‌های مختلف غرر در داوری ۱۸۲
- ۱۱- آیین رسیدگی داوری ۲۱۳
- ۱-۱۱- درگاهی به بحث ۲۱۳
- ۲-۱۱- اختیار طرفین در تعیین قواعد داوری ۲۱۴
- ۳-۱۱- تعیین قواعد رسیدگی توسط داور(ان) ۲۱۷
- ۴-۱۱- وضعیت دستور موقت ۲۱۹
- ۵-۱۱- محدودیت مرجع داوری در انتخاب قواعد ۲۳۶
- ۶-۱۱- لزوم تشکیل جلسه داوری ۲۴۶
- ۱۲- مفهوم و شرایط دعاوی طاری در مرجع داوری ۲۴۹
- ۱-۱۲- مفهوم دعاوی طاری در داوری تجاری بین‌المللی ۲۴۹
- ۲-۱۲- ویژگی‌های دعاوی طاری ۲۵۰
- ۳-۱۲- اقسام دعاوی طاری ۲۵۹

۲۶۳	۱۳- موانع اقتصادی حق دادخواهی در مرجع داوری
۲۶۳	۱۳-۱- مقدمه
۲۶۵	۱۳-۲- حقوق اروپایی
۲۷۳	۱۳-۳- حقوق ایران
۲۷۷	۱۳-۴- نتیجه گیری
۲۷۹	۱۴- رسیدگی به دلایل در مرجع داوری
۲۷۹	۱۴-۱- اختیار ذاتی مرجع داوری در رسیدگی به دلایل
۲۸۰	۱۴-۲- قانون قابل اعمال بر دلایل
۲۸۱	۱۴-۳- قلمرو دلایل
۲۹۱	۱۴-۴- حصول دلیل و اختیارات دادگاه در کنترل رأی داور
۲۹۵	۱۴-۵- مساعدت قضایی مرجع داوری در زمینه دلایل
۳۰۰	۱۴-۶- علم و یافتنای شخصی مرجع داوری
۳۰۹	۱۵- تعیین داور
۳۱۵	۱۶- آغاز فرآیند داوری
۳۱۵	۱۶-۱- تحقق اختلاف
۳۱۶	۱۶-۲- اقدامات پیش از داوری
۳۱۶	۱۶-۳- شروع داوری
۳۱۹	۱۶-۴- تقاضا (درخواست) متقاضی داوری
۳۲۴	۱۶-۵- قرارنامه داوری
۳۲۷	۱۷- بررسی برخی از مسائل خاص آیین داوری
۳۲۷	۱۷-۱- مقر داوری و جلسات استماع دعوا
۳۲۸	۱۷-۲- توقف جریان داوری
۳۳۵	۱۷-۳- اقدامات ایزدایی در جریان رسیدگی- رسیدگی غیایی
۳۴۱	۱۸- جایگاه خسارت تنبیهی در حقوق داوری
۳۴۱	۱۸-۱- مقدمه
۳۴۳	۱۸-۲- محدودیت خسارت تنبیهی در داوری تجاری بین المللی
۳۴۵	۱۸-۳- شناسایی محدودیت خسارات تنبیهی در مقررات محلی
۳۴۶	۱۸-۴- قواعد داوری و خسارت تنبیهی
۳۴۷	۱۸-۵- نظم عمومی، مانع شناسایی و اجرای خسارت تنبیهی
۳۵۱	۱۸-۶- تحولات حقوق فرانسه

۳۵۳	۱۹- نقش داور بعد از صدور رأی
۳۵۴	۱-۱۹- تصحیح رأی
۳۶۶	۲-۱۹- صدور رأی تازه (اضافه)
۳۷۴	۳-۱۹- اظهارات مغایر داور پس از صدور رأی
۳۷۸	۴-۱۹- دفاع از رأی دآوری و مساعدت قضایی به طرفین
۳۸۴	۵-۱۹- نتیجه گیری
۳۸۷	۲۰- اعتراض به رأی دآوری
۳۸۸	۲۰- قواعد عمومی اعتراض به رأی دآوری
۴۰۱	۲-۲۰- عنوان و خواسته دعوا
۴۰۳	۳-۲۰- اسقاط - اعتراض به رأی داور
۴۰۷	۴-۲۰- کزل رأی داور در مقام استناد به آن به عنوان دلیل
۴۰۹	۵-۲۰- اعتراض در محاکم دآوری
۴۱۲	۶-۲۰- «نهایی» بودن، منع از کنش قضایی دادگاه
۴۱۳	۷-۲۰- ابطال رأی بر اساس راعدا
۴۲۳	۸-۲۰- مفهوم و اثر قانون موجب حق
۴۲۹	۹-۲۰- ابهام کلی رأی
۴۳۰	۱۰-۲۰- رد رأی داور
۴۳۱	فهرست منابع

۱- کتاب «حقوق داوری و دعاوی» مربوط به آن در رویه قضایی و نیز بخش‌هایی از کتب «حقوق دعاوی» که به مباحث داوری اختصاص یافته است، با هدف شناسایی «حقوق داوری داخلی»، تألیف گردید. کتاب حاضر به «حقوق داوری تطبیقی» نظر دارد. به این منظور، ابتدا اهم مباحث در این حوزه انتخاب شد و بعد از بیان قواعد کشورهای دیگر، وضعیت حقوق ایران نیز در ادامه هر بحث، مورد بررسی قرار گرفت. لازم به ذکر است به جهت حجم سیار مطالب و نیز عمق مطالعات تطبیقی در این حوزه، همه مسائل مطرح نشده ولی می‌توان ادعا کرد، جز در مورد جنبه‌های اخلاق حرفه‌ای و فلسفه داوری که ان شاء الله در آتی مد نظر است، تقریباً عمده مباحث کاربردی در ۲۰ عنوان، از مایه نظر خوانندگان گرامی خواهد گذشت و فرصتی برای سنجش نظام حقوقی ایران نیز به دست خواهد آمد.

۲- از آنجا که به اهمیت رویه قضایی، صرف‌نظر از کیفیت آن که اصافاً رایان، آرای کیفی قابل توجهی دارد، اعتقاد راسخ دارم و کارکرد آن را بالاتر از قانون می‌دانم، باید به بود که آرای مراجع قضایی در این حوزه جمع‌آوری شود تا همچون دیگر کتب داوری تطبیقی، کتاب حاضر نیز به زیور رویه قضایی آراسته شود. از این رو، با تشکیل کانال یا گروه‌های تلگرامی و فراخوان ارسال آرا، حجم قابل توجهی از آرا به دست آمد که در اینجا با کمال تواضع از همه دوستان و علاقه‌مندانی که همت نهاده و با ارسال آرا، به تألیف کتاب کمک کردند، تشکر می‌کنم. همچنین با حضور در برخی از شعب محاکم، ضمن آشنایی با خلق نیکوی قضات ارجمند، لطف کرده و آرای که خود صادر کرده بودند، در اختیار اینجانب نهادند. از این عزیزان نیز خاضعانه سپاسگزارم. هرچند زحمات همه قابل تقدیر است و

اینجانب را مدیون خود کرده‌اند؛ با این حال، ضمن پوزش از برخی دوستان و علاقه‌مندان که اسامی آنها را نمی‌دانم یا ممکن است ذهن، یاری‌ام نکند و فراموش کرده باشم، به نام و سمت برخی از این عزیزان اشاره می‌کنم. دوستان عزیز آقایان یعقوبی و صالحی (شعبه ۱۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران)، امانی و کرمی (شعبه ۱۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران) صالحی ذهابی (شعبه ۹ تجدیدنظر استان کرمانشاه)، جاویدی (شعبه ۱۱ دادگاه تجدیدنظر استان فارس)، زمانی و کشاورز (شعبه ۲۴ دادگاه تجدیدنظر استان فارس) ریسی و شمس (به ترتیب شعب ۲۴ و ۸ دادگاه عمومی حقوقی اصفهان)، احمدی (شعبه ۴ دادگاه عمومی حقوقی تهران) رضا نژاد (شعبه ۴ دادگاه عمومی حقوقی مشهد)، کشکولی (شعبه ۹ دادگاه عمومی حقوقی کرج)، سبیانی (شعبه ۱ دادگاه عمومی حقوقی قوچان)، انصاری (شعبه ۲۰ دادگاه عمومی حقوقی تهران که سابقاً در شعبه ۳۱ دادگاه مشهد حضور داشتند)، فضلی (شعبه ۲۵ دادگاه عمومی حقوقی تهران) و ابراهیمی (شعبه ۱ دادگاه تجدیدنظر استان خراسان رضوی)؛ خدایشان سلامت و موفق بدارد. دانشجوی عزیز دانشنامی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد (آقای جواد بیله چیان) نیز زحمت تنظیم فهرست منابع را (در متن انتهای کتاب) عهده‌دار شدند که لازم است از ایشان تشکر کنم. امید است در راه دانش و روزی رفیق باشند. همچنین همکاران محترم در «مؤسسه حقوقی عدالت گستر باز» مانند همیشه زحمت تمام اسکالات و اغلاط تایپی را عهده‌دار شدند که ضمن تشکر، برای این عزیزان نیز آرزوی موفقیت دارم.

۳- با کمک و دعای خیر دوستان و اندک تلاش نویسنده، کتاب حاضر در اختیار جامعه حقوقی قرار می‌گیرد. از مسئولان شرکت سهامی انتشار که زحمت چاپ را عهده‌دار شده‌اند، صمیمانه تشکر می‌کنم. با این حال توجه به چند نکته را از خداندگان و کاربران محترم حقوق داوری، استدعا دارم: توصیه‌ای به قضات؛ مسئولان و مدیران قضایی؛ وکلای ملت؛ عموم حقوق دانان.

۴- توصیه به قضات این است که مجدداً به اهداف عالیه قضا یعنی تحقق عدالت و منصفانه کردن آرا و تصمیم‌های خود، بیندیشند و رویه‌های خود را بازخوانی کنند. همه ما در هر مرحله‌ای از دانش که باشیم، نیازمند بازبینی و توجه مجدد به رویدادهای اجتماعی و نیازهای مردم هستیم. اگر قاضی به این راه رود که به هر طریق ممکن، گرهی از پرونده بگشاید و به جای استدلال در جهت رد درخواست‌ها، مبنایی برای پذیرش بیابد، در کسب رضایتمندی مردم و اعتماد بیشتر به قوه قضاییه، نقش مهمی را ایفا کرده است. اگر قاضی به این بیندیشد که نتیجه‌ی رأی او، چه می‌شود و ممکن است چه آهی از نهاد دیگری برآورد یا

آتش ظلمی را از دامن او دور کند و به طور کلی اگر قاضی، مبارزه با ظلم و سوءاستفاده را هرچند در لباس قانون درآمده، هدف خود قرار دهد، بی‌گمان تحولات انسانی مثبت و عظیمی را شاهد خواهیم بود و اطمینان داریم به کاستن از کمیت دعاوی نیز کمک شایان می‌کند. به یاد داریم در موضوع تعلق یا عدم تعلق حق کسب یا پیشه بین دو شخص، ۱۴ مرجع قضایی دخالت کرده و آرای مستقلی صادر کرده بودند! این نبود مگر اینکه مراجع مذکور، یک بار برای همیشه تلاش مکفی برای برکندن مایه نزاع و تصمیم با رویکردهای به عمل نیاورده بودند (استنباط اینجانب است). اگر قاضی به این راه رود که انصاف را سرلوحه خود قرار دهد، بی‌گمان تسلیم انواع زیورهای قانونی و گوساله‌های سامری نخواهد شد! سابقاً می‌گفتند قاضی نباید خود را به جای طرفین دعوا قرار دهد! نقد این مبنا را در اینجا، مجالی نیست اما هرچه هست باقی آن، خط بطلانی بر انصاف می‌کشد. همه تعاریف انصاف، حداقل در یک نتیجه مشترک است: بهتر است ترکیبی از نظرات «ریبر» و «سقراط» را استفاده کنیم. ماحصل این است که، متن با قواعد عام، کلی و دائمی را وضع کند و نمی‌تواند موردی فتوا دهد؛ اما قاضی، معلم اخلاق است، می‌بیند، می‌شنود، حس می‌کند و به قول «کافکا» در لابلای روابط واقعی، نه تنها نباید کم شود که باید حکم عام، کلی و دائمی را برای هر رابطه‌ای حقوقی نیز مستقل ببیند و «حکم» می‌دهد. پس با انصاف موردی، پاسخ‌گو نبوده دهد. اندک تجربه قضایی اینجانب این سخن را نمی‌پذیرد که گاه گفته می‌شود «می‌دانیم حق اینجاست یا اینجا ظلم واقع شده اما قادر به رفع آن نیستیم». معتقدم هر بار قاضی با رابطه حقوقی روبرو شد که شهود قضایی او، آن را اجازه نمی‌دهد، حتماً راهی برای جبران مافات وجود دارد. باید شجاعت داشت، به دانش درآمد و از روز حساب بیشتر از ابزارهای نظارتی و تهدیدهای فلان و بهمان، هراس داشت. درد و درمان ماده ۲۳۰ قانون مدنی، ادامه شنیده ایم. این گوی و این میدان؛ به آسانی می‌توان هر توافقی را معتبر دانست و چه بر اهداف عالیه قضا، فروبست یا به همان آسانی می‌توان با بیل بر جوی نشست و بست تا نیازی به پیل نباشد! حقوق داوری نیز اینگونه است. به واقع، تشتت و تعارض تصمیم‌های قضایی، در این حوزه، به طور جدی نگران‌کننده است و اگر اینگونه باشد، باید در سوگ داوری نشست. بخش قابل توجهی از این سیر قهقاری که ربطی هم به محاکم ندارد بلکه به حرکت کلی داوری برمی‌گردد که به جای اعتمادزایی، سلب اعتماد می‌کند، ناشی از فقدان قانون جامعی است و در ادامه تبیین خواهد شد اما برخی نیز به رویکردهای قضایی مربوط می‌شود. برای

مثال، سال‌هاست در مورد مفهوم و آثار داور «مرضی‌الطرفین» نزاعی را شاهدیم یا اینکه دادگاه نخستین، به جهت فقدان ایراد خوانده به شرط داوری، همسو با همه نظام‌های ملی و بین‌المللی، دعوا را استماع می‌کند اما دادگاه تجدیدنظر، رأساً به شرط داوری استناد کرده و خط بطلانی بر هزینه‌ها و وقت مردم و زحمات دادگاه نخستین که حداقل یک نوبت ماهیت را بررسی کرده و در آستانه پایان دادن به نزاع طرفین است، می‌کشد. آیا به راستی انصاف است که در مورد داور مرضی‌الطرفین، حتی با قبول این نظر که دادگاه حق دخالت در تعیین داور را ندارد، بازهم وقتی چنین دخالتی صورت گرفت، داور تعیین شد، جریان داوری به پایان رسد و ...؛ بازهم دادگاه نخستین یا تجدیدنظر، این بار به گذشته برگردد و با این استدلال که انتخاب داور از اساس نادرست بوده، رأی داور را بی‌اعتبار نماید؟! به نظر قاضی باید در موازین حقوقی، از استدلال حقوقی خود که صرفاً یک استنباط است، به سود انصاف عدول کند. حتی اگر چنین اعتقادی دارد، جریان سابق داوری را ابطال نکند. چنین اقدامی نه تنها به معایب تعارض افکار و تشتت اندیشه‌ها و آرا نیست بلکه پرتوی از اصل ترمیم دادرسی است که متأسفانه چندان در رویه قضایی به آن بها داده نمی‌شود (ترمیم دادرسی: حقوق دعاوی، تحلیل عدل رویه قضایی، صص ۱۰۱ الی ۱۱۳).

۵- توصیه به مدیران و مسئولان قضایی و نیز وکلای ملت، بسیار است، اما فعلاً به اقتضای بحث حاضر می‌توان گفت که اگر به دنبال توسعه داوری و کاهش دعاوی در محاکم هستند (که البته این هدف با این ابزار، خود، اندیش‌آورد است زیرا در نظام‌های ملی دیگر نیز دعاوی را صرفاً از طریق داوری کاهش نداده‌اند) - جمع دعاوی مطروح در مراجع داوری، در مقایسه با مراجع قضایی چندان نیست) و اگر می‌خواهند دعاوی که به داور ارجاع شده است، با عناوین ابطال و مانند آن، مجدداً به قوه قضاییه نگردد، به جای اقدامات تکراری و سخت‌گیری‌های مربوط به کاهش آمار یا وضع قوانین مبهم با ادبیات نارسا، کار تدوین قانون جامعی را در دستور کار قرار دهند که به ویژه در ابعاد دادرسی (مانند لزوم درخواست یا دادخواست، مالی و غیرمالی بودن، مهلت داوری و اختیار دادگاه، نحوه تعیین داور، اعتبار امر مختوم ناشی از آن، برداشتن شرایط) شروط مبهم مانند «مرضی‌الطرفین» از سر داوری، حدود دخالت دادگاه در کنترل رأی داور، طرح مستقیم دعاوی ابطال در دادگاه تجدیدنظر و ده‌ها مسأله دیگر)، غنی باشد و باب اختلاف نظر غیرقابل تحمل فعلی را ببندد، حقوق داوری را قابل پیش‌بینی پذیر کند و آن را به مسائل

اساسی یعنی حقوق بنیادین طرفین معطوف دارد. به دیگر سخن، کار گِل را به پرورش گِل تغییر دهد. می‌دانیم که سالهاست پیش‌نویس قانونی را تهیه کرده‌اند اما معلوم نیست چه سرنوشتی دارد؟ و البته اگر پیش‌نویس سابق باشد، به نظر می‌رسد لزوماً باید ابعاد دادرسی آن تقویت گردد تا مانع از تحقق اختلافات بی‌ارزش در رویه قضایی شود.

۶- برای تبیین بهتر مسأله و لزوم قانونگذاری در حوزه دادرسی، به ویژه با رویکرد حل مسائل شکلی، به دو مورد از آنچه در رویه قضایی به کرات اتفاق می‌افتد، اشاره می‌کنیم. مسأله اختیار دادگاه در تعیین مهلت داوری و مسأله صلاحیت دادگاه و مرجع داوری:

۶-۱- آیا دادگاه بد از اینکه با توافق طرفین، داور را انتخاب نمود، حق دارد مهلت داوری را آن گونه که خود می‌خواهد حتی بیشتر از سه ماه یا کمتر از آن، تعیین کند؟ این پرسش به اختلافی مهلک بدل شده است. تصور نمایید که طرفین به داوری مراجعه می‌کنند و داور از دادگاه، مهلت بیشتری را درخواست نموده و دادگاه موافقت کرده است. بعد از رسیدگی و صدور رأی، در مرحله اعتراض، دادگاه نخستین، آن را تأیید می‌کند اما دادگاه تجدیدنظر صرفاً به این دلیل که زمان رسیدگی داوری، حق تمدید مهلت یا افزایش آن از اختیارات دادگاه نبوده، رأی را باطل می‌داند. آن رویه در تهران به وفور دیده می‌شود و دادگاه‌ها، هریک، استدلالی برای آن دارند. اساس و فایده آن از صحت و سقم استدلال، چنین اختلافی قابل تحمل نیست! آیا مردم نباید به ستوه در آیند؟

۶-۲- در رأی یکی از شعب دادگاه عمومی حقوقی تهریز آمده است: «حسب تبصره ۹ قرارداد ... قید گردیده: در صورت عدم وضوح در هر مورد، یا در صورتی که کارفرما در جهت تغییر نوع و اندازه مصالح مصرفی نظراتی را بخواهد اعمال نماید، تشکیل جلسه‌ای مشترک (دستگاه نظارت و سازنده و کارفرما) موضوع مورد بررسی و تصمیم‌گیری خواهد شد. نظر اکثریت از سه عضو مورد اشاره برای طرفین لازم‌الاجراست؛ از این رو، خواهان می‌بایست از طریق تبصره مزبور اقدام نموده و اتخاذ تصمیم نماید و ... دعوای خواهان بدین جهت قابلیت استماع ندارد». حسب اطلاعی که از وکیل پرونده به دست آمد و البته شماره پرونده که مربوط به سال (۱۳۹۳) است نیز نشان می‌دهد، قریب ۴ سال از طرح دعوا در دادگاه گذشته بود و هیأت‌های کارشناسی نیز مکرراً تشکیل و اظهارنظر نموده بودند (در مجموع ۴ نوبت کارشناسی؛ دو نوبت برای مسائل پیمان و دوبار برای بررسی ماشین‌آلات). با این حال، در نهایت رأی مذکور صادر می‌شود! اگر آثار اقتصادی زیان بار ناشی از اطاله دادرسی، اختصاص وقت قضایی به پرونده، هزینه‌های کارشناسی و احتمالاً توقف کار را در کنار این مسأله قرار

دهیم که ایراد به وجود شرط مذکور می‌بایست در اولین فرصت دفاع مانند جلسه اول به عمل می‌آمد و کوتاهی در این امر، صلاحیت دادگاه را اعاده می‌کند (حتی اگر این شرط را داوری بدانیم که البته چنین وصفی، مناسب شرط مذکور نیست!)، آنگاه بهتر می‌توان به نقص حقوق داوری و لزوم قانونگذاری روشن و هدایت رویه قضایی پی برد.

۷- در خصوص عموم علاقه‌مندان به حقوق؛ هرچند انتظار این است که تلاش همگان، در سطح بالا، پیرانگیزه و متعارف باشد اما واقعیت غیر این است زیرا عوامل بسیار مانند مشکلات اقتصادی و اجتماعی، انگیزه و علاقه به هر رشته تخصصی را از اوج هدف متعالی به سطح مختلف بعضاً غیرمتعارف، فرومی‌کاهد! به ویژه در کشورمان که چند سالی است علم از علم احساس نمی‌شود و عوامل دیگری تأثیرگذارند. با این حال، حداقل از برخی متخصصان این انتظار به حق است. با این مقدمه، سؤال و گلایه این است که چند درصد این عزیزان، مالی، در حوزه داوری نگاشته و به تقویت آن همت نهاده‌اند؟ تجارب، یافته‌های تطبیقی و افکار جدیدی که می‌آیند، کی و کجا باید به نظام حقوقی کمک کند؟ چرا حداقل متن یک سخنرانی تخصصی را در قالب مقاله‌ای مفید، منتشر نمی‌کنند؟ چرا نقد آرای محاکم این اندازه ناچیز است؟ در میان برخی، یکلای دادگستری چرا هر جا بحث از ابطال رأی داور است، مسائل را دنبال می‌کنند و در مباحث دیگر که بعضاً جنبه نظری نیز دارد، میدان را خالی می‌گذارند؟ آیا جز این است که می‌دانند در موضوع ابطال رأی داور، منافع اقتصادی بیشتری یافت می‌شود؟ با این وصف، آیا بایا حقوق داوری را توسعه یافته دید؟ آیا این توسعه در درجه نخست، وابسته به دل‌نگرانی نسبت به سرنوشت داوری و در مرحله بعدی منوط به اقدام عملی و پاره‌ای از خودگذشتگی‌ها و تلاش نیست؟

۸- سال ۱۳۹۶ بسیار زود گذشت؛ وقت، با وصف این که در هر سال یکسان است، اندک بود! و به ویژه در فصول پاییز و زمستان، کتاب حاضر تقریباً تمام فرصت‌های موجود را به خود اختصاص داد! از خدای متعال می‌خواهم اگر نیت خیری را آن نهفته است، برای سرنوشت خیر، سلامتی خانواده گرامی، توفیق خدمت بیشتر و بهتر و شادی روح مرحوم پدر قرار دهد. ان شاء الله.

ساعت ۵ بامداد روز ۲۲ اسفند ۱۳۹۶ - مشهدالرضا